

جنبش نرم‌افزاری و تولید علم؛ ضرورتها و رهیافتها

● عباس پارسیان*

چکیده

ضرورت توجه به تولید اندیشه و فکر و آسیب‌شناسی و چاره‌اندیشی در باب مشکلات پیش روی آن، از مباحث مهم در بستر توسعه جوامع است.

در وضعیت کنونی جهانی؛ که پیشرفت سریع علمی و تکنولوژیکی از یک سو و پیدایش مکاتب فکری متعدد و رشد آن مکتبها از سوی دیگر از ویژگیهای بارز آن می‌باشد، ضرورت برخورداری از بنیان فکری و اندیشه‌ای محکم و در عین حال بالنده، بیش از پیش بدیهی است و این امر پدیدار نمی‌گردد، مگر اینکه فضای نقد و تولید علم و اندیشه، فضایی سالم و آماده باشد.

حرکت فکری که در عین تناسب با زمان و توجه به نیازها و مشکلات معرفتی عصر، بتواند زیر بنایی محکم برای ادامه راهی باشد که معماران و متفکرین انقلاب اسلامی در نظر داشته‌اند. این نوع نگرش در سایه ارائه نمونه‌ای عملی که بر پایه بنیادی نو اندیشه و تفکری زنده و پویا و در عین حال مبتنی بر ارزشهای انسانی و اخلاقی آشکار خواهد شد.

نوشتار حاضر نگاهی است اجمالی به ضرورت تحول علمی در جامعه، امکانات و راهکارهای کارآمدی این تحول؛ و نیز بررسی آسیبهایی که می‌تواند تحقق جنبش نرم‌افزاری را تحت سیطره خود در آورد.



کلیات بحث:

اداره جوامع بشری و سازمانهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در جهان امروز نیازمند نوعی نظام یکپارچه برای تفکر و عمل است. هر نظام اجتماعی نیازمند الگوی مناسبی برای شناخت پدیده‌های درونی و بیرونی است که این الگو باید شناخت و تعریف روشنی از انسان، جامعه و طبیعت داشته باشد. شاید به همین دلیل باشد که مدیران امروز دنیا به درجاتی فیلسوف هستند، تحلیل می‌کنند، مدل یکپارچه ذهنی می‌سازند و سپس خود را آماده می‌سازند. بنابراین مدیریت جامعه نیازمند تفکر، شناخت، برنامه‌ریزی الگو و نظام فکری است. از سوی دیگر، علم و عمل، نظریه و نیز فکر و تجربه، باید همواره دوش به دوش یکدیگر حرکت کنند، در غیر این صورت مطالعه گذشته و انباشت اندیشه‌ها تنها بیش از یک تلاش روشنفکرانه‌ای که معطوف به عمل نیست، نخواهد بود. اندیشه‌ها باید به کنش درآیند، آزمون شوند و بهبود یابند و این راهبردی است که باید در نظام فرهنگی و مدیریتی تعقیب گردد.

بدیهی است، نظام فکری که بتواند زمینه را به سمت توسعه جهت دهی و نهادینه نماید و ارتباط - انسان و جامعه را با مبدأ و غایت نظام هستی نشان دهد و همچنین مسیر توسعه و کمال گسترده و یکپارچه او را در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی و... ترسیم کند، ضروری است. در حقیقت، نظام فکری یک جامعه بیانگر ماهیت و هویت آن جامعه است. در این زمینه امام خمینی (ره) می‌گوید: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. اهمیت و نقش مهم نظام فکری عبارت است از مجموعه ارزش، تبیین، دانش، در جریان تغییر و تحولات بنیادین ملتها و حکومتها که از نظر آقای رونالد اینگلهارت اینگونه توصیف شده است: «وجه تمایز مردم جوامع مختلف، نگرشها، ارزشها و مهارتهای اصلی و پایدار آنان است. به بیان دیگر، فرهنگ آنان با هم تفاوت دارد. در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی، اجتماعی و سیاسی، فرهنگهای جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار دگرگون ساخته است»^۱.

براین اساس، یک نظام فکری کارآمد و حوادث کنونی جهان زمانی می‌تواند مؤثر باشد که در سه حوزه ارزشی (روحی) بینشی (فکری) و دانش (علمی) هماهنگ و



یکپارچه باشد و یک نوع نظام ارزشی، بر حوزه‌های بینش و دانش حاکم باشد. موفقیت در این زمینه‌ها سبب خواهد شد که جامعه فکری، فارغ از پیروی صرف و بدون آزمون روشهای آزموده شدهٔ جوامع دیگر، به تئوری‌ها، روش‌ها و سیاستگذاریهای علمی و فرهنگی خود متکی باشد و از دام سرگردانی و بلا تکلیفی ناشی از تابعیت فرهنگی جوامع دیگر، رهایی یابد.

با این نگرش، نظام فکری در هر جامعه‌ای ترسیم‌کننده اهداف و یا نظام اهداف است. نظام فکری برای رساندن جامعه به اهداف خود باید موجب تنظیم روابط و هماهنگی بین سه حوزه انگیزش (ارزش)، اندیشه (بینش) و رفتار (دانش) شود. یکی از نتایج این هماهنگی، دستیابی به اطلاعات و تفاهم اجتماعی و توسعه جامعه در ابعاد مختلف است؛ از این منظر تحقق این امر در گرو تغییر گرایشها و نیازهای جامعه و نیز تغییر در نظام فکری و ساختار علوم و کارشناسی و بالاخره، تغییر در نظام برنامه ریزی و اجرایی نهفته است.^۲

گستره و چپستی جنبش نرم‌افزاری تولید علم: ترکیب «تولید علم» که حالت مضاف و مضاف‌الیه دارد، می‌تواند به معنای تبدیل مجهول به معلوم باشد. در فرآیند تولید علم و نظریه‌پردازی منظور، واحدهای علمی و تک گزاره‌های علمی نیست، بلکه منظور یک شاخه علمی جدید است. تئوری‌پردازی به تعبیر یکی از فیلسوفان علم - عبارتست از گمانه‌زنیهای جسورانه‌ای که یک دانشمند درباره هستی یا بخشی از موجودات، و یا هر پدیدهٔ دیگری می‌کند. سپس برای گمانه‌های خود، شواهد و نمونه‌هایی می‌سازد. هر چه شواهد و ادله بیشتر باشد، مطابقت آن نظریه با واقعیت محتمل‌تر است. در واقع شواهد و ادله برای آن نیست که یک فرضیه را به مقام نظریه برساند.

وقتی به مدد قرائن و ادله، فرضیه به نظریه تبدیل شد، در آستانه تولید علوم جدیدی قرار می‌گیرد. بنابراین نظریه‌پردازی پیش زمینه تولید علم است. تولید علم به معنای حل مسائل علمی و کشف مجهولات جزئی، هیچگاه تعطیل و متوقف نمی‌شود و همیشه در حوزه‌های معرفتی در حال نقل و انتقال بوده و توقفی نداشته است؛ اما آنچه در جامعه ما محل بحث و جدل دارد، رکود و سکونی است که مدتی است محافل علمی و نظری کشور نیز به آن مبتلا شده است. در حال حاضر، ما شاهد حرکت‌های نیرومند علمی در عرصه‌های تولیدی نیستیم. تولید علم یعنی تحول انقلابی و اساسی که البته از سنتها

کرد.^۲

نبریده و در عین تازگی، اصیل نیز می‌باشد. این کار امکان‌پذیر است و نباید از آن غفلت کرد.^۲

آنچه در حال حاضر در عرصه فعالیت‌های علمی جامعه مشهود و جاریست، ترجمه، تأویل و تفسیر منابع ترجمه‌ای است که البته ترجمه از ملزومات نهضت علمیست و دقت نظر و پیشرفت در آن، امر بسیار مهمی است. اما نباید از نظر دور داشت که این حرکت نباید محور و مبنای جهش علمی و فکری جامعه فرهنگی قرار گیرد، بلکه شایسته است به موازات تولیدات علمی در داخل، بهره‌گیری از تولیدات فکری و علمی سایر جوامع در دستور کار مطالعه و تحقیق باشد. در این میان، آنچه در خور تأمل است، این است که متأسفانه در دهه‌های اخیر ترجمه‌گری سبقت را از تولید و تحقیق ربوده و مبنای فلسفی نهضت نرم‌افزاری و تولید علم نیز منبعث از این رخداد علمی و اجتماعیست، بدین ترتیب، عنصر نرم‌افزاری که در اصطلاح جنبش نرم‌افزاری مورد تأکید قرار گرفته نیز، حاوی معانی و تعبیرهایی است که مشی جنبش را بیان می‌دارد. نرم‌افزار یعنی داده‌های اطلاعاتی، چه به شکل نوشتاری یا گفتاری یا تصویری، اما جنبش با حرکت یک تفاوت اساسی دارد. و آن اینکه، جنبش، علاوه بر حرکت نوعی جمعی بودن تحول نیز در آن نهفته است؛ یعنی حرکت نرم‌افزاری یک یا صد نفر را نمی‌توان جنبش نرم‌افزاری نامید، بلکه زمانی جنبش است که به یک جریان اجتماعی تبدیل شود. ثانیاً؛ ویژگی بنیادی بودن تحول در مفهوم جنبش عینی و ضروری است. به عبارت دیگر؛ دگرگونی در مبانی، ساختارها و بازسازی مفاهیم؛ براساس تحول در مبانی و ساختارها و نیز پدیدار شدن تحول در نخبگان صورت می‌گیرد. ثالثاً؛ در مفهوم جنبش، استمرار نیز نهفته است؛ یعنی حرکت مقطعی و کوتاه مدت را نمی‌توان جنبش نامید؛ بلکه در صورتیکه تحول بوجود آمده، همانطور که گسترده مکانی دارد، به لحاظ روندی نیز دارای استمرار زمان باشد، به لحاظ تداوم تحولات هم می‌توان نام جنبش بر آن نهاد. بنابراین، جنبش نرم‌افزاری یعنی حرکت بنیادی گسترده و مستمر در عرصه اطلاعات، دانشها و مهارتها.

بنابراین در عرصه گسترده مفهومی جنبش نرم‌افزاری تولید علم باید اذعان داشت؛ علم، بطور کلی یک شبکه به هم پیوسته در میان تمام معارفی است - که کم یا زیاد، میان آنها ارتباط وجود دارد. همچنین، هنگامی می‌توان از چنین جنبشی نتایج مطلوبی را



انتظار داشت که این جنبش بطور هماهنگ و منسجم در همه عرصه‌های علمی تأثیر گذار باشد - با این رویکرد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که قلمرو جنبش نرم‌افزاری تمامی دانشها و معارف بشری است. و اگر بخواهیم در این باره بیشتر تأمل کنیم باید در ارتباط متقابل علم و عقل و دین کاوش نماییم.^۴

البته می‌توان با نگاهی دیگر به مقوله جنبش نرم‌افزاری بدین نتیجه رسید که چنین تحولی از بازخوانی دوباره مبانی، ساختارها، مؤلفه‌ها و مفاهیم آغاز می‌شود و تا ساماندهی فرهنگ و سپس تمدن سازی، ادامه می‌یابد. از این رو در طول تاریخ در پی چنین جنبشهایی، تمدنهایی نیز بوجود آمده است؛ زیرا تمدن نیازمند نظامی یکپارچه برای تفکر و عمل است و این نظام فکری یعنی؛ ارزشها، بینشها و دانشها. یک نظام فکری، اهدافی را ترسیم می‌کند. و با توجه به آن اهداف، به ساماندهی سه حوزه انگیزه (ارزش)، اندیشه (بینش)، و رفتار (دانشها و مهارتها) می‌پردازد. به عبارت دیگر در هر تمدن ایدئولوژی خاصی وجود دارد و آرد که ظهور و افول تمدنها، به منزله ظهور و افول ایدئولوژی هاست و تا زمانی که یک ایدئولوژی، در عرصه ذهن و رفتار کارآمد و مؤثر باشد، تمدن متناسب با خود را در تاریخ به همراه خواهد داشت.^۵

در حوزه گفتمانی قلمرو و چرایی جنبش نرم‌افزاری تولید علم، طراح پرسشهای بنیادینی نظیر تعیین سمت و سو و تشخیص جهت‌گیری حرکت علمی ضروری است. آشنایی با قلمرو ماهیت‌گزینه مورد مطالعه، محقق را در پایه گذاری بنای محکم و استواری که بر مبنای آن بتوان ساختمانی رفیع و مستحکم ساخت، کمک شایانی می‌کند. در خلال این پرسش که ما چه تعریفی از جنبش داشته باشیم و مهمتر اینکه چگونه می‌توان بین سؤالات امروز و دیروز ارتباط برقرار کرد؛ مسائل اولیه‌ای مطرح می‌شود که باید برای تدویم حرکت بدان پاسخ گفت. سوال مهم دیگر این است که؛ جنبش نرم‌افزاری هدف است یا استراتژی؟ در پاسخ باید گفت: اگر هدف است، باید دستگاههای متولی آن را به عنوان یک هدف مطرح سازند و استراتژی‌هایی، در راستای میل به آن طراحی نمایند و سپس وارد فاز برنامه ریزی شوند. اگر چنین نیست و جنبش نرم‌افزاری استراتژی است، باید اهدافی که این استراتژی را بدان می‌رساند، تعیین سازند و مقاطع زمانی آن را نیز معین کنند. بنابراین جنبش نرم‌افزاری چه هدف باشد، چه استراتژی؛ یکی از مشکلات مهم آن این است که به عنوان یک نتیجه، بستر آن چندان



فراهم نیست؛ چرا که مهمترین بستر آموزش چنین جنبشی، نظام آموزشی یک جامعه است. نظام آموزشی ما از ابتدا تنها مبتنی بر محورهایی است که در تبدیل به جنبش نرم‌افزاری، با چالش‌هایی مواجه است؛ زیرا نظام آموزشی مطلوب نظامی است که بتواند به جریان فکری پویا و کارآمد منتهی شود.^۶

رهیافتهای تحقق جنبش نرم‌افزاری و تولید علم:

نیاز به بستر جریان، از بایدهای پیش روی یک جنبش است. تحقق جنبش، امری نیست که به سرعت به وقوع بپیوندد؛ بلکه نتیجه یک سری حرکتهاست که به ایجاد جنبش منتهی می‌شود، اگر جنبش را به فعالیتی همگانی و فراگیر تعبیر کنیم، در این صورت نتیجه یک سری حرکتهاست. در شرایط موجود چند مسئله وجود دارد که امکان وقوع جنبش نرم‌افزاری در کوتاه مدت را دشوار ساخته است.

بنابراین، برای عبور از این دشواری باید موانع را شناخت و به جستجو در راستای عبور از موانع پرداخت. نخست اینکه نظام آموزشی ما از ابتدا تا انتها پاسخ محور است نه سؤال محور! تمام مراحل ارزشیابی آموزشی، مبتنی بر سؤالاتی است که سیستم طرح می‌کند که آموزش دهندگان باید به آن پاسخ دهند؛ چنین ذهنی منفعل و پیرواست؛ چرا که دیگران برای آن سؤال طرح می‌کنند و او تنها پاسخگوست.^۷

از این رو در جبهه تولید علم، بیش از هر چیز، اذهان نگران و در جستجوی سؤالات، باید مبنایی برای رسیدن به پاسخها و راه‌حلهایی کارگشا باشند. در این زمینه باید بطور جدی اندیشیدن و نسبت به کاربردی کردن علوم انسانی اهتمام ورزید، زیرا تولید گری در فضای مباحث انتزاعی مجال ظهور و بروز نمی‌یابد. با این نگرش، در جواب این پرسش مهم که تحقق جنبش نرم‌افزاری نیازمند چه امکانات، تسهیلات و شرایطی است، و چگونه می‌توان این امکانات و شرایط را بوجود آورد؛ به برخی راهکارها اشاره می‌شود:

الف) شرط تحقق جنبش نرم‌افزاری، باور و یقین به این امر است؛ یعنی تا جامعه‌ای افقهای فراتر از حرکتهای جاری را نبیند، نمی‌تواند تحقق چنین جنبشی را انتظار داشته باشد.

از این رو کنار نهادن تعصب و خود باختگی، یا تحجر و تجددزدگی از شرایط



اولیه‌ای هستند که زمینه ساز اقدامات بعدی محسوب می‌گردند. بر این اساس، جریان روشنفکری غیرملی و نیز حرکات تحجرگرایانه دو روی یک سکه‌اند که جز محرومیت در پیدایش جنبشهای نرم‌افزاری در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی، نتیجه‌ای ندارند. جالب اینجاست که آموزه‌های فرهنگی ما با نكوهش تقلید گذشتگان و تعصبات بی‌مورد و مذمت خود باختگی و تجددزدگی، همواره انسانها را به کوششهای متعادل و سنجیده سوق می‌دهد.

ب) تحقق جنبش نرم‌افزاری تولید علم، منوط به وجود آزادیهای مورد نیاز در عرصه نرم‌افزاری است. بدون شک، تحول در بنیادها، ساختارها و بازسازی مؤلفه‌ها و مفاهیم و ارائه طرحها و برنامه‌های نو و فرهنگ جدید با مقاومتهایی مواجه است و برخی خواهند کوشید تا از بوجود آمدن چنین حرکت بنیادی جلوگیری کنند. چنانکه همیشه پیام آوران و کسانی که جنبشهای نرم‌افزاری را در تاریخ به وجود آورده‌اند، با مخالفت‌های بسیاری مواجه شده‌اند. بنابراین باید تدابیر و تمهیداتی اندیشید، تا اندیشه‌ها و نوآوریها فرصت کافی برای رشد و بالندگی بیابند.

ج) به هر حال از شرایط مهم پیدایش و به ثمر رسیدن جنبش نرم‌افزاری، به موازات ضرورت آزادیهای مورد نیاز، پذیرش نقش انتقادپذیری در این عرصه است؛ چرا که همیشه آزادی در کنار پیامدهای مثبتش، به دلیل سوءاستفاده برخی افراد، آثار منفی را نیز در پی خواهد داشت. باید کوشید تا آثار منفی، موجب محدودیت بیش از حد در قلمرو عمق آزادی نگردد.

بنابراین از این رو بایستی برخی از پیامدهای گریزناپذیر آزادی را به خاطر فواید بزرگ و مهم آن پذیرفت.

د) جنبش نرم‌افزاری علاوه بر شرایط لازم، به امکانات و تسهیلات بنیانی نیاز دارد که به عنوان شرایط کافی و ضروری باید مورد توجه قرار گیرد. اولین امکان پیدایش جنبش نرم‌افزاری، وجود نخبگان و متصدیان و نیز نهادهای تحقق بخش چنین جنبشی است و تا جامعه‌ای نتواند افرادی تربیت کند که از ظرفیتهای لازم برای ساخت شکنی و بازخوانی مبانی و مفاهیم برخوردار باشند، نباید در جهت دسترسی به چنین جنبشی امیدوار باشد. گذشته از نیروهای انسانی مورد نیاز، لازم است که بودجه‌ها و هزینه‌های چنین جنبشی نیز در نظر گرفته شود و از این روست که مطالعه تاریخ نشانگر آن است



که تحولات نرم‌افزاری، هنگامی به جنبش نرم‌افزاری و نهایتاً تمدن‌سازی منجر خواهد گشت که همراه با برنامه‌ریزی متناسب و متکی به عزم و پشتیبانی همه‌جانبه صورت پذیرد.^۸

نتیجه‌گیری:

از آنجا که جنبش نرم‌افزاری پدیده یا رویدادی دفعی نیست و جریانی پیوسته و مستمر است، حلقه آن از محور اساسی نخبگان، دانش پژوهان و زمامداران جامعه تشکیل می‌شود که نقش هر کدام در این جنبش متفاوت است؛ نخبگان باید با آگاهی از علوم نوین و بازپروری آن متناسب با آموزه‌های فرهنگی و نوآوریهای علمی، افق جدیدی را در عرصه علمی و فرهنگی بگشایند و بستر علمی مناسبی را برای رشد و بلوغ این جریان مهیا سازند. و اما پژوهندگان، شایسته است با فراگیری دستاوردهای علمی از فرهیختگان و همسویی با آنان در رشد و انتقال رهاوردهای علمی به نسل آینده، برای نیل به هدف راهبردی و تداوم جنبش نرم‌افزاری همت گمارند. کارگزاران و زمامداران جامعه نیز فراهم ساختن تسهیلات و امکانات مورد نیاز را بر عهده دارند تا با پشتیبانی از جنبش نرم‌افزاری، شرایط تداوم و ثمربخشی آن را مهیا نمایند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مجموعه گفتگوهای جنبش نرم‌افزاری: «تحلیل زیرساختهای جنبش نرم‌افزاری»، سیاست روز، دوازدهم تیرماه ۱۳۸۲، ص ۸.
۲. سید جعفر مرعشی، نظام فکری، درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی، (تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۷)، ص ۸۷.
۳. گفتگو با حجت‌الاسلام محسن فرویان، «چیستی و چرایی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری»، روزنامه رسالت، هفدهم آبان ماه ۱۳۸۲، ص ۲۲.
۴. مهدی گلشنی، از علم سکولار تا علم دینی، (تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۵)، ص ۱۲۱.
۵. گفتگو با حجت‌الاسلام سید محمدعلی داعی‌نژاد، «گسترده‌ها و گستراننده‌ها»، روزنامه رسالت، نهم دی ماه ۱۳۸۲، ص ۱۲.
۶. پرسمانی با حضور حجت‌الاسلام دکتر رحجان، «جنبش نرم‌افزاری: هدف یا استراتژی» روزنامه جوان، دهم بهمن ماه ۱۳۸۲، ص ۱۰.
۷. همان، ۸۲/۱۱/۲، ص ۱۱.



۸. مجتبی کاشانی، «مدیران فیلسوف و سازمانهای موفق»، تدبیر، شماره ۶۳، مرداد ماه ۱۳۷۵، ص ۲۰.

کتابنامه:

۱. گلشنی، مهدی. از علم سکولار تا علم دینی. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۲. مرعشی، سید جعفر. نظام فکری در آمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۷.
۳. کاشانی، مجتبی. «مدیران فیلسوف و سازمانهای موفق»، مجله تدبیر، شماره ۶۳ (مرداد ماه ۱۳۷۵)
۴. چیستی و چرایی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری. روزنامه رسالت. ۱۳۸۲/۸/۱۷.
۵. جنبش نرم‌افزاری؛ گسترده‌ها و گستراننده‌ها. روزنامه رسالت. ۱۳۸۲/۱۰/۹.
۶. جنبش نرم‌افزاری؛ هدف یا استراتژی؟، روزنامه جوان. ۱۳۸۲/۱۱/۱۰.
۷. تحلیل زیر ساختهای جنبش نرم‌افزاری. روزنامه سیاست روز. ۱۳۸۲/۴/۱۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی